بیاری زبان پارسی برخیزیم

«من بزبان فارسی دلبستگی تمام دارم،زیرا گذشته از اینکه زبان خودم است‏ و ادای مراد خویش را باین زبان میکنم و از لطائف آثار آن خوشی‏های گوناگون فراوان‏ دیده‏ام نظر دارم باینکه زبان آئینه فرهنگ قوم است و فرهنگ مایهء ارجمندی و یکی‏ از عاملهای نیرومند ملت است.

هر قومی که فرهنگ شایسته اعتنا و توجه داشته باشد زنده و باقی است و اگر نداشته باشد نه سزاوار زندگانی و بقاست و نه میتواند باقی بماند.ذکاء الملک فروغی»

زبان فارسی ارزنده‏ترین میراث ملی ماست و هر فرد وطن دوست و علاقمند به‏ سنن ملی وظیفه دارد که در حفظ و حراست آن در حد و توانایی خود بکوشد تا از دستبرد و گزند حوادث مصونش دارد.

متأسفانه باین میراث ملی،در طی تاریخ و بر اثر تسلط رومیها و هجوم اعراب‏ و ایلغار مغولان و و و...دستبردهائی زده شده و لطمه‏هائی وارد آمده است لیکن غباری‏ که از این راهگذر بر دامن مدنیت ما نشسته،بامروز زمان زدوده شده و سخن پارسی‏ چون گوهری پاک و تابناک بار دیگر جلوه‏گری کرده و رنگ و رونق دیرین خود را باز یافته است.

در قرن بیستم خطری از جانب غرب و غربیان بر این میراث ملی ما روی‏آور شد که باید آنرا از همه مهم‏تر و بیمناک‏تر شمرد.

جوانان وطن نیز گذشته از آنکه برای جلوگیری آن کوششی بکار نبردند خود دانسته یا ندانسته آن را تشدید کردند و بر سرعت پیشرفت آن افزودند.

در بدو امر بعضی جوانان از فرنگ برگشته برخی لغات و اصطلاحات بیگانه‏ را با خود بسوقات آوردند و از طریق محاوره و نطق و خطابه و روزنامه و کتاب تحویل‏ اجتماع دادند و کم‏کم بعضی لغات اجنبی و غیرمأنوس وارد زبان ما شد و آن را به گونه‏یی‏ دیگر درآورد در صورتیکه ما در زبان خود هم‏اکنون هزاران لغت داریم که در مکالمه و مکاتبه از آنها استفاده نمیکنیم و حتی در فرهنگهای لغت هم سراغ آنها نمیرویم.

البته منکر نمیتوان شد که بعضی از لغات و اسامی و اصطلاحات بیگانه که در واقع اسامی ذات هستند باید در زبان ما بهمان صورت اولیه و اصلی پذیرفته شوند زیرا ترجمهء کلمات تلفن و رادیو و تلویزیون و پست و تمبر و و و...مقبول و معقول نیست و عینا باید آنها را اخذ کرد و ضبط نمود و در محاوره و کتابت بکار برد لیکن بسیاری لغات و کلمات هم هست که بیهوده و بناحق وارد زبان شده‏اند و با آنکه معادل آنها را داشته‏ایم‏ مع الاسف در زبان و ادبیات ما محلی پیدا کرده‏اند و حکم کلمات اصیل را یافته‏اند و در واقع جزء زبان شده‏اند و تا زمانیکه سازمانی صلاحیتدار بکار تنقیح زبان نپردازد و سره‏ را از ناسره جدا نسازد باید شاهد و ناظر چنین وضعی باشیم.

تحمل این دگرگونی و نابسامانی با همهء ناگواری تا حدی ممکن بود و پاسداران‏ سخن و ادب پارسی ناظر مرگ تدریجی لغات اصیل و صحیح فارسی بودند و دم در نمیآوردند تا اینکه اخیرا در سمینارها کنفرانسها،سمپوزیوم‏های!!!بین المللی که در تهران‏ تشکیل میشود تماشاگر اوضاع دیگری شده‏ایم.

در سه کنفراس بزرگی که اخیرا برگزار شد با آنکه کنفراس ایران‏شناسان‏ رنگ شرقی و اصالت خاص ایرانی داشت و شاهنشاه آریا مهر نیز در پیام جالب و جامع خود بزبان فارسی سخن گفتند مع الوصف بعضی از ایرانیهای فارسی زبان سخنرانیهای خود را بزبان دیگر ایراد کردند و تاکنون هم متن سخنرانیهای ایران‏شناسانی که قطعا میبایست زبان و فرهنگ ما را بدانند تا بتوانند راجع به آن تحقیق کنند و چیز بنویسند بزبانهای فرانسه و انگلیسی یا آلمانی است و چه بسا که هیچوقت هم بفارسی ترجمه‏ نشود و دور از دسترس علاقمندان بماند.

در کنفرانسهای بین المجالس و اروپا EROPA هم که در تهران برگزار شد سخن از هر زبانی بود جز زبان فارسی.نطق نمایندگان بزبانهای فرانسه و انگیسی عینا منتشر میشد و فقط خلاصهء اخبار بزبان فارسی انتشار مییافت که برای علاقمندان و محققین‏ در حکم راهنمای کوچکی میتوانست باشد.

بیاد دارم در یکی از جلسات کنفرانس بین المجالس که مانند جلسات کنگره ایران‏شناسان و اروپا خالی از تماشاگر و مستمع ایرانی بود نمایندهء یونان پشت میز خطابه‏ رفت و سخن بفارسی آغاز کرد.مترجمانی که وظیفهء ترجمه را بعهده داشتند از ترجمهء زبان فارسی اظهار عجز کردند و رئیس جلسه-ناطق را با ناراحتی از پشت میز خطابه‏ به زیر آورد و مانع سخن گفتن او شد.سخنان این مرد بسیار شیرین بود و بفارسی گفتگو میداشت.در بدو کلام خود گفت من پنجاه سال پیش در ایران بوده‏ام و علاقه فراوان به‏ زبان شیرین فارسی و کشور ایران دارم و همین علاقه مشوق من شده است که سخن‏ خود را بزبان فارسی ایراد کنم....

وی وقتی با ناراحتی میز خطابه را ترک گفت و بسرسرا آمد خبرنگاران‏ جراید دور او را گرفتند و با او بمصاحبه پرداختند.سخن اصلی او این بود که من قبل‏ از ایراد سخنرانی نظر مسئولان را باین نکته جلب کرده بودم و فکر میکردم مقدمات‏ امر را فراهم کرده‏اند و مترجمانی را یافته‏اند که بتوانند نطق ساده مرا از فارسی بزبانهای‏ دیگر ترجمه کنند ولی حالا معلومم شد که اینکار را نکرده‏اند.

و اما پیشنهاد ما اینست که در این قبیل مجامع اولا ترتیبی داده شود که‏ ترجمانان زبردست،همهء مطالب را برای فارسی زبانان ترجمه کنند و اگر احیانا ناطقی‏ هم خواست به زبان فارسی صحبت کند ترتیبی مقرر دارند که بوضع ناراحت ناطق‏ یونانی که در بالا از او یاد کردیم دچار نشود.

ثانیا گفتگوهائی که میشود و سخن‏هایی که ایراد میشود بزبان فارسی ترجمه‏ شود و نشر یابد تا ایرانیان علاقمند نیز از جریان این مجامع آگاهی یابند و بمسائل علمی‏ و تحقیقات مختلف آشنائی بیشتر پیدا کنند.بدیهی است در چنین صورتی هیچوقت تالارهای‏ سخنرانی هم خالی از مستمع نخواهد بود.در این زمینه سخن بسیار و گفتن فراوانست‏ و ما گویندگان و نویسندگان میهن دوست را که به حفظ بقای قومیت و مصونیت زبان‏ شیرین پارسی از آلودگی‏ها و دلبستگی دارند به جلوگیری از گسترش پیشتر این خطر بزرگ میخوانیم و صفحات مجله وحید را برای نشر مقالات و گفتارهایی که در این زمینه‏ نگارش مییابد در اختیار آنان میگذاریم.